

ماهنامه رویش

نشریه دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) کاشان

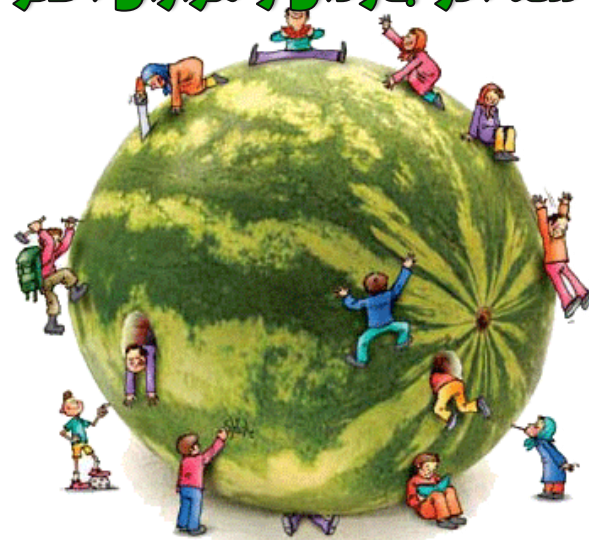
سال اول / شماره نهم / آذر ماه ۱۳۹۴

یلاک کهر یا زایتر زادروز

سعد سپینما ایران کیست؟

زندگی نریسنه انت را زیسنه؟

یک فرمول و پیتز پینی برا ازدواج
سه آذر جاودان و هزاران اخگر فروزان



چگونه Error 404 را دور بزنیم؟

آموزش و بیروتر بلغارستان چگونه است؟

چگونه سیر خدا دارم (مرحوم معین کرمانتاهی)

کودک سیوگوار من!

و یک برگ یک کتاب (بی شعور)

.....



شیر

باور به نور و روشنائی

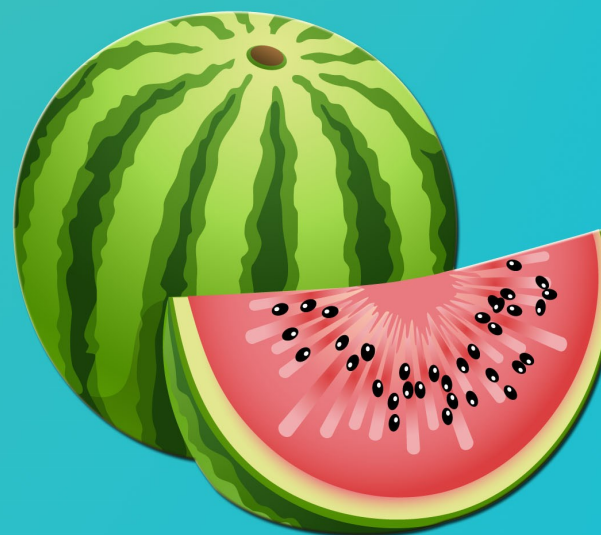
است که

شام تیره

از دل شب یلدا

جشن مهر و روشنائی

به ما هدیه میدهد



ماهنامه رویش . کاری از انجمن نشریات دانشگاه فرهنگیان

مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) کاشان. آذر ماه ۱۳۹۴

نشانی: کاشان - میدان ۱۵ فرورد - ابترا ی فیاض طالقانی



کار از کانون نشریات

دانشگاه فرهنگیان

مرکز آموزش عالی

امام خمینی (ره) کاشان

با ما در دنیا مجاز همراه بمانید.

منتشقات نظرات تنها هستیم...

وبلاگ: Royesh-mag.mihanblog.com

پست الکترونیک: Mag.royesh@yahoo.com

• صاحب امتیاز: حسین فخره ای

• مدیر مسئول: جواد ناصح

• سردبیر: هما سادات لاجوردی

• مدیر اجرایی: زینب صادقیان

• انجمن نویسندگان:

آسیه مولودی

لیلا پهلوانی

عطیه حسینیان

محدثه بوستان افروز

صفیه عیسایی

• ویراستاری:

شادی محمودزاده

محدثه قبایی آرانی

زینب فروزان فر

• گرافیک و صفحه آرایی:

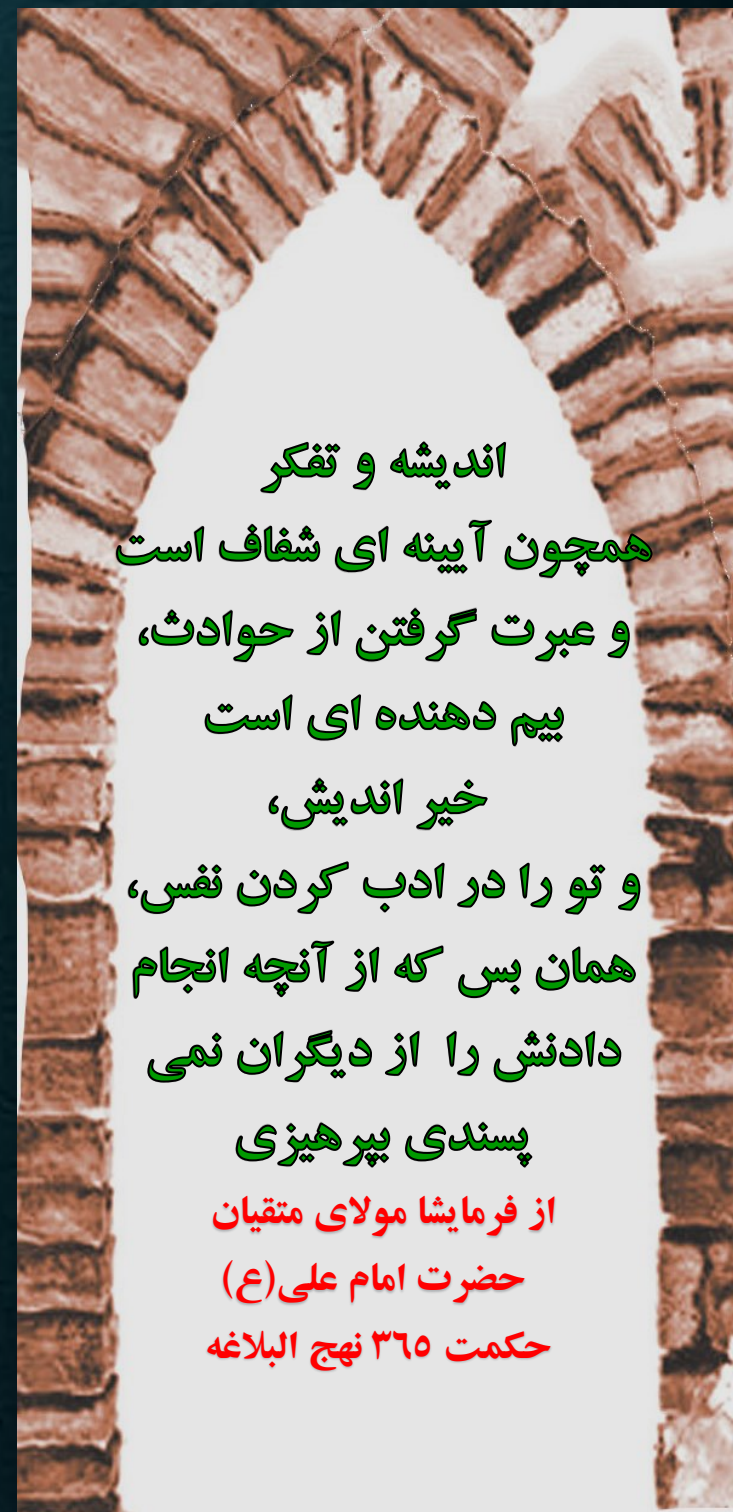
هما سادات لاجوردی



وظیفه‌ی معلم تربیت نسلی با ایمان، دانا، دارای اعتماد به نفس،
امیدوار به آینده، با نشاط، روشن بین، با اراده و دارای سلامت
جسمی و روحی است.



تربیت هنگامی تأثیرگذار است که توام با عمل مربی و روش های
غیرمستقیم باشد به طوری که رفتار و منش و فن بیان معلمان به
عنوان سرلوحه در ذهن و جان دانش آموزان حک شود



اندیشه و تفکر

همچون آینه ای شفاف است

و عبرت گرفتن از حوادث،

بیم دهنده ای است

خیر اندیش،

و تو را در ادب کردن نفس،

همان بس که از آنچه انجام

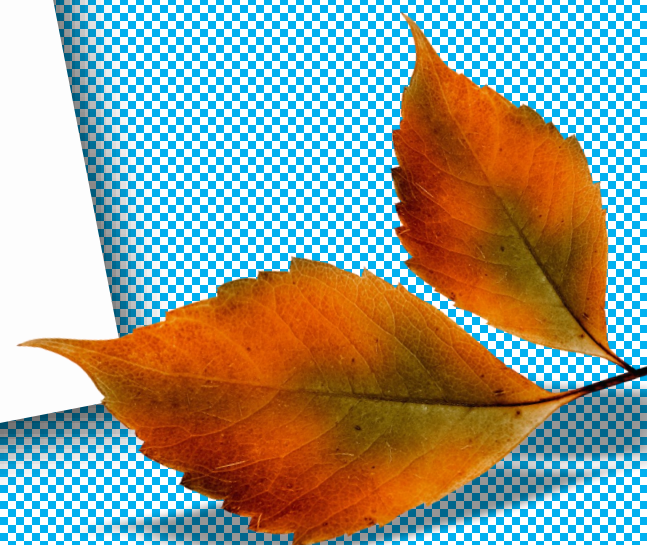
دادنش را از دیگران نمی

پسندی پرهیزی

از فرمایش مولای متقیان

حضرت امام علی (ع)

حکمت ۳۶۵ نهج البلاغه



کاری از کانون نشریات مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) کاشان

اصطلاحات رایج بین رشته ای

فاطمه علوی

نیهیلیسم

نیهیلیسم، رادیکال (افراطی) یا نیست‌انگاری (برگرفته از واژه‌ی لاتین nihil به معنای هیچ) به هر نوع دیدگاه فلسفی گفته می‌شود که وجود یک بنیان عینی (ابژکتیو) برای نظام ارزشی بشر را رد می‌کند. این اندیشه معمولاً در ارتباط نزدیک با بدبینی عمیق و شک‌گرایی رادیکال است.

شاید بتوان گریاس - حکیم یونانی قرن پنجم پیش از میلاد - را نخستین اندیشمند نیهیلیست دانست اما فردریش ویلهلم نیچه - فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم - بیش از هر کسی به شرح باورهای نیهیلیستی پرداخت. وی نیهیلیسم را به عنوان یک پدیده شایع در فرهنگ غربی شناسایی کرد و معتقد بود که پیامدهای نابودگر آن در نهایت تمامی احکام اخلاقی، مذهبی و متافیزیکی (مابعدالطبیعه) را به تباهی خواهد کشاند و بزرگ‌ترین بحران تاریخ بشر را رقم خواهد زد.

در قرن بیستم بسیاری از هنرمندان، منتقدان و فیلسوف‌های نیهیلیستی همچون ناتوانی معرفت‌شناسی، تخریب ارزش‌ها و بی‌معنایی دنیا را در آثار خود مطرح کرده‌اند. در میانه‌های قرن بیستم جنبش اگزیستانسیالیسم (اصالت وجود) تلاش کرد انگاره‌های

نیهیلیستی را به

گونه‌ای ترویج کند که جنبه‌ی مخرب آن از میان برود.



آنارشیسیم یا اقتدارگریزی در زبان سیاسی به معنای نظامی اجتماعی و سیاسی بدون دولت، یا به طور کلی جامعه‌ای فاقد هرگونه ساختار طبقاتی یا حکومتی است. آنارشیسیم برخلاف باور عمومی، خواهان هرج و مرج و جامعه‌ی بدون نظم نیست، بلکه همکاری داوطلبانه را درست می‌داند که بهترین شکل آن ایجاد گروه‌های خودمختار است. طبق این عقیده، نظام اقتصادی نیز در جامعه‌ای آزاد و بدون اجبار یک قدرت سازمان‌یافته بهتر خواهد شد و گروه‌های داوطلب می‌توانند بهتر از دولت‌های کنونی از پس وظایف آن برآیند.

آنارشیسیت‌ها به طور کلی با حاکمیت هرگونه دولت مخالفند و دموکراسی را نیز استبداد اکثریت می‌دانند (که معایبش کمتر از استبداد سلطنتی است).

آنارشیسیم

سخن آغازین

انگار همین دیروز بود که این سطن شاعر "پاییز می‌رسد که مرا مبتلا کند، با رنگ‌های تازه مرا آشنا کند" ورد زبان هایمان بود. اما حالا چه بگویم جز این که "دو قدم مانده که پاییز به یغما برود، این همه رنگ قشنگ از کف دنیا برود" و باز هم مثل همیشه امان از دست این "داس دروگر وقت که هیچ روینده را از آن زنهار نیست..."

در آفرین ماه پاییز جز رهاوردی از خاطرات رنگ رنگ و طلوع ایام آزمودن، سطنی نیست که شما را توانم باشد برای گفتن... اما پاییز امسال ما رویشی ها، دم به دم پر از تکیا بود. و این شور و ولوله در محیط کوچک دانشگاهمان فوب‌ترین حس های رویش را بر جانمان روانه می‌سافت.

آغاز این ماه با برپایی میز کتاب چه زیبا شروعی بود برای تابیدن تلوهای دانی بر روح های تشنه ی ما و پایانش همگام شد با جشن خرفنده ی یلدرای دانشجویان و نمایشگاه یلدرها هم، که چه حس نابی داشت برای بودن.

پاییز ما رویشی ها پر بود از کارگاه های آموزشی و جلسات فرهنگی و فوشالیم که کوله بار پاییزمان این بار به سنگینی غرور برگ های فزان زده می‌درفشد..

هما سادات لاجوردی

پی نوشت ها:

- اولین شعر از علیرضا بریع بود، دومیش از یغما گلروبی و اون نوشته ی امان از داس دروگر وقت هم از شکسپیر. در نتیجه: بقوانیم تا بنویسیم.
- آغاز ایام امتحانات را بر شما دوستان عزیز تسلیت عرض نموده و صبروری و شب زنده داری بادوام با عطر فوش قهوه را برای شما سفت کوشان آرزومندم.
- میز کتاب اقرامی است قابل ستایش از دانشجویان فعال فرهنگی با دغرغه آگاهی. که طرح این کار از فاطمه یواری ورودی ۱۹ است و با همکاری جمع کثیری از دانشجویان فکور می‌درفشد بر شکوه دانی دانشگاهمان
- جشن یلدرها و نمایشگاه یلدرها دو اقرام ارزشمند از ورودی های ۹۲ و ۹۱ برای پاسداشت این کهن روز زیبا بود که در آفرین دقایق پاییز دانشگاه را مزین کرد
- کارگاه های معارف های معلمی، مدیریت زمان، نگارش و فناوری از بهترین اقرامات آموزشی پاییزی ما بود که به کوشش کانون های فعال و با همکاری اساتید گرانقدر عرصه ای تاب را برای دانستن مهیا کرد.

فهرست

- | | |
|----------------------------------|------------------------|
| از کهن دیار.....۲ | تطبیقی.....۱۲ |
| تربیتی.....۳ | سیاسی.....۱۳ |
| مهارت معلمی.....۴ | بیداری.....۱۴ |
| روانشناسی.....۶ | ادبی.....۱۵ |
| علمی پژوهشی.....۸ | ورزشی.....۱۶ |
| هنری.....۹ | منتظر موعود.....۱۷ |
| فرهنگ.....۱۰ | دانستنی ها.....۱۸ |
| فناوری.....۱۱ | یک برگ، یک کتاب.....۱۹ |
| اصطلاحات رایج بین رشته ای.....۲۰ | |

از کهن دیار

آذرماه



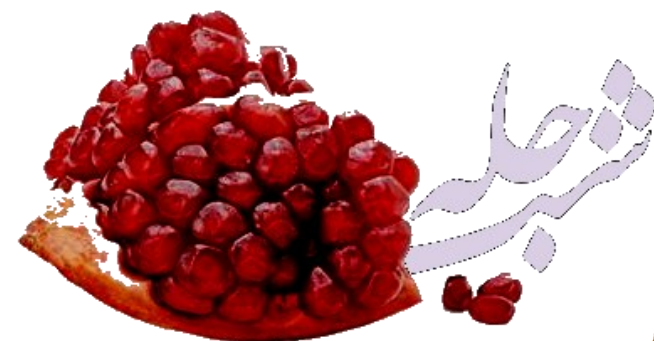
در آذر ماه باستانی مراسم‌ها به شرح زیر برگزار می‌شد:

یکم آذر (اورمزد روز) : روز برگزاری «آذر جشن»، یکی از جشن‌هایی است که در پیوند با آتش به مناسبت فرارسیدن ماه آذر و برافروختن نخستین شعله زمستانی است.

نهم آذر (آذر روز): جشن «آذرگان»، جشن آتش دیگری در گرامیداشت «آذر» و ایزد منسوب به آن است.

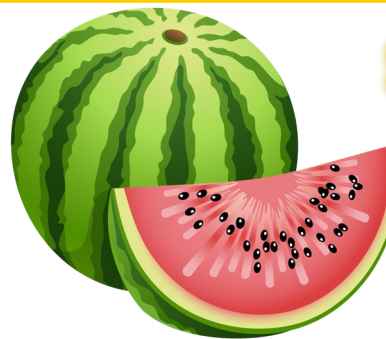
سیام آذر (انارام روز): جشن «شب چله» یا «یلدا» انقلاب زمستانی و جشن زایش خورشید است. ایرانیان در این شب با فراهم آوردن خوراکی‌های گوناگون تا بامداد به انتظار دیدار نخستین پرتوهای خورشید بیدار می‌نشسته‌اند. تقویم میلادی نیز با اندک تغییراتی ادامه همین میلاد است که بعدها آن را به میلاد مسیح نسبت داده‌اند.

آذرتان گرم و دلنشین!



زینب صادقیان

چیستی یلدای کهن!



واژه **یلدا** به معنای **زایش زادروز** و تولد است. ایرانیان باستان با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر می‌شوند و تابش نور

ایزدی افزونی می‌یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می‌خواندند و برای آن جشن بزرگی برپا می‌کردند و از این رو به دهمین ماه سال دی (دی در دین زرتشتی به معنی دادار و آفریننده) می‌گفتند که ماه تولد خورشید بود.

یلدا و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است. مردم روزگاران دور و گذشته، که کشاورزی، بنیان زندگی آنان را تشکیل می‌داد و در طول سال با سپری شدن فصل‌ها و تضادهای طبیعی خوی داشتند، بر اثر تجربه و گذشت زمان توانستند کارها و فعالیت‌های خود را با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و جهت و حرکت و قرار ستارگان تنظیم کنند.

آنان ملاحظه می‌کردند که در بعضی ایام و فصول، روزها بسیار بلند می‌شود و در نتیجه در آن روزها، از روشنی و نور خورشید بیشتر می‌توانستند استفاده کنند. این اعتقاد پدید آمد که نور و روشنایی و تابش خورشید نماد نیک و موافق بوده و با تاریکی و ظلمت شب در نبرد و کشمکش‌اند. مردم دوران باستان و از جمله اقوام آریایی دریافتند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آن روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شوند، از همین رو آن را شب زایش خورشید نامیده و آن را آغاز سال قرار دادند

باوری بر این مبنا نیز بین مردم رایج بود که در شب یلدا، قارون (ثروتمند افسانه‌ای)، در جامه کهنه هیزم شکنان به در خانه‌ها می‌آید و به مردم هیزم می‌دهد، و این هیزم‌ها در صبح روز بعد از شب یلدا، به شمش زر تبدیل می‌شود، بنابراین، باورمندان به این باور، شب یلدا را تا صبح به انتظار از راه رسیدن هیزم شکن زربخش و هدیه هیزمین خود بیدار می‌ماندند و مراسم جشن و سرور و شادمانی بر پا می‌کردند.

عطیه حسینیان

فاطمه احمدی

یک برگ، یک کتاب



بی‌شعوری نوعی اعتیاد است مثل سایر اعتیادها به الکل و مواد مخدر و یا

وابستگی دارویی که آثار زیان‌باری برای شفا معتاد و حتی اجتماعی که در آن

زندگی می‌کنند، دارد. بدترین نوع خصوصیت این اعتیاد آن است که بی-

شعورها ذره‌ای هم از بی‌شعوریشان آگاه نیستند. آنچه در بی‌شعوری

اهمیت دارد شهامت توقف بی‌شعور بودن است که مشکل‌ترین قسمت

ماجراست. بی‌شعوری نوعی بیماریست که وقتی شخص گرفتارش شد،

رفتار مردم ستیزانه‌ای در پیش می‌گیرد. پس از مدتی فرد احساس می‌کند

از زندگی خسته شده در حالی که فرد از بی‌شعور بودنش به ستوه آمده

چرا که بی‌شعوری وی منجر به ترک اطرافیان می‌شود. برای رفع بی-

شعوری نیاز به تغییرات بنیادی در نحوه تفکر و رفتار انسانی می‌باشد و

انجام این تغییرات آسان نیست. ولی با رفع این بیماری، زندگی روی

دیگری از خودش که خیلی هم لذت‌بخش می‌باشد را به شما نشان می-

دهد. بعضی از ویژگی‌های بی‌شعورها در ذیل ذکر شده است:

__ کسب قدرت با خوار و خفیف کردن دیگران

__ امتناع از صفات اصلی انسانی

__ سوء استفاده بی رحمانه از انسان‌ها و ...

اولین گام درمان و بهبودی یک فرد بی‌شعور باید با گفتن من بی‌شعورم

آغاز شود و حتی گفتن جملات مشابهی نظیر من وقیح هستم اثر ندارد.

بی‌شعوری یک نوع اعتیاد است به قدرت فقیر و سرکوب کردن

سایرین و وظیفه شناسی بی‌هر. اپیدمولوژی بی‌شعوری نشان می‌دهد

که افراد بسیاری در معرض ابتلا به بیکاری بی‌شعوری قرار مانند

کارمندان ادارات دولتی، کسانی که طوری رانندگی می‌کنند که انگار خیابان

ارث ابرادشان است، آن‌هایی که با لبفند مصنوعی می‌گویند

روز فوبی داشته باشید.

• کسانی که به زور می‌فروهند دیگران را

به راه راست هدایت کنند.

• آدم‌هایی که فودشان را توی صف با می‌دهند

• افرادی که صدای ضبط ماشینشان

را تا آخر زیاده می‌کنند و ...

وقتی بی‌شعوری بی‌شعورها به رویشان

آورده شود و به آنها بابت رفتارشان تذکر

داده شود بلافاصله شروع به انکار کرده و

طلبکار هم می‌شوند این افراد حاضر به پذیرش این‌که انسان هستند و وظایف و

تعهداتی دارند که باید به آن‌ها عمل کنند، نیستند. عقاید بیشعورها:

• تمام مشکلات را دیگران به وجود آورده‌اند.

• نیازی به ریشه‌یابی وهل مشکلات نیست؛ فقط یکی را باید پیدا کرد تا

تمام تقصیرها را به گردنش بیاندازی.

• من حق دارم هر قانونی را نقض کنم. چرا که فکر می‌کنند که آن‌ها تافته

چرا بافته هستند و قانون در رابطه با آن‌ها تعریف نشده است.

هر فردی می‌تواند بی‌شعور باشد. یک فرد بیچاره یا تاجر، ما در اطرافمان حتی

بی‌شعورهای مقدس مآب و یا عرفان باز نیز داریم. ما هر روزه در معرض افراد

بی‌شعور زیادی مثل دوست، همسر، خانواده و مراکز دولتی هستیم ولی برای

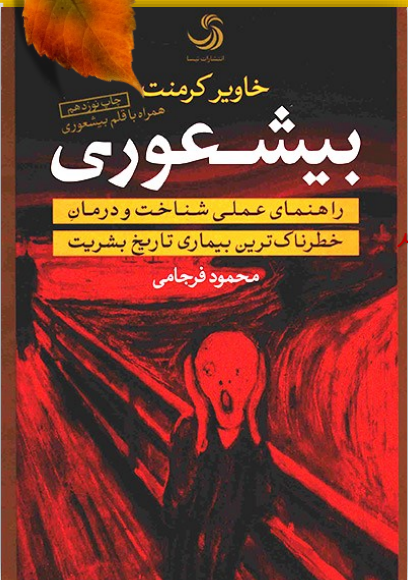
رفع بی‌شعوری خود ابتدا باید شهامت پذیرفتنش را پیدا کنیم.

برای درمان راه‌های مختلفی وجود دارد. فرد بی‌شعور باید به نظر دیگران احترام

بگذارد. تنها خود را نبیند مسوولیت اشتباهاتش را خودش به عهده بگیرد. از

پیروزی‌های دیگران شادمان شود. خصایص مثبت را در خود ببوراند.

نوشته و گردآوری: محدثه بوستان افروز





چه زمانی واقعا به آنتی بیوتیک نیاز دارید ؟

ترس از مصرف بیش از حد آنتی بیوتیک و ایجاد مقاومت باکتریایی نسبت به درمان، منطقی و توجیه پذیر است: این داروها تنها باید برای درمان عفونت های باکتریایی مانند گلودرد میکروبی مصرف شوند، نه برای بیماری های ویروسی رایج مانند سرماخوردگی و آنفلوآنزا. اصرار به درمان با آنتی بیوتیک نداشته باشید و اگر پزشک تان آن را تجویز نمود ، پیرسید آیا واقعا لازم است ؟ درمورد عفونت های خفیف، سعی کنید یک یا دو روز صبر کنید تا ببینید خودش بهتر می شود یا نه، البته به شرط این که پزشک تان موافق باشد. اگر علایم بدتر شدند به پزشک تان مراجعه کنید ، چون در این زمان باید آنتی بیوتیک را شروع کنید، اما اکثر اوقات بدن خودش درمانش می کند ، مخصوصا اگر دیلش ویروسی باشد.

روی شیوه هایی متمرکز شوید که به کنترل علایم ناراحت کننده کمک می کنند و نیازی به دارو ندارند، مانند نوشیدن آب فراوان و استراحت کافی. البته پیشگیری بهترین درمان است. سیگار نکشید ، تغذیه سالم ، فعالیت بدنی ، کنترل استرس و حداقل ۷ ساعت خواب شبانه از عوامل موثر در پیشگیری از این بیماری است . واکسن سالیانه آنفلوآنزا را فراموش نکنید و در طول فصل سرما دست هایتان را مکررا بشوید .



سوگ در کودکان

مرگ یکی از نزدیکان کودک به ویژه اگر آن شخص پدر یا مادر وی باشد باعث بروز فشارهای روحی شدید در کودک می شود.

اکنون که با ویژگی های سوگ در کودکان آشنا شدید به بررسی نکاتی که اطرافیان کودک باید رعایت کنند می پردازیم:

بهترین زمان آموزش بهداشت روانی در برابر مرگ عزیزان، زمانی است که حادثه ای در ارتباط با مرگ یک جاندار رخ می دهد، مثل مرگ یک موجود خانگی. در این زمان می توان کودک را از لحاظ عاطفی و روانی آماده کرد برای پذیرش مرگ انسان اما افراطی عمل نکنید. به پرسشهای کودکان در رابطه با مرگ مطابق با درکشان، به طور واقع بینانه و بدون احساسات افراطی پاسخ دهید. مرگ را از آن چه هست برای کودک مبهم تر نکنید. گفتن جمله "او به سفر رفته است" کودک را در انتظاری ناتمام نگه می دارد. و همچنین گفتن "خدا انسان های خوب را با خود می برد" ممکن است به کودک این باور را تلقین کند که یا انسان های زنده خوب نیستند و یا آدم های اطراف هم به زودی می میرند.

(۱) مرگ به عنوان رویدادی قابل بازگشت (۳ تا ۵ سالگی):

کودک منتظر است شخص متوفی نزد وی بازگردد.

(۲) مرگ به عنوان رویدادی مجسم (۶ تا ۹ سالگی):

کودک مرگ را به عنوان پایان کار می پذیرد.

(۳) مرگ به عنوان توقف اعمال حیاتی (۱۰ تا ۱۲):

مرگ پدیده ای زیستی و برگشت ناپذیر است.

منبع

مقاله آشنایی با سوگ در کودکان
و روش های برخورد با آن نوشته ی مریم صیادی
(۱۳۸۹)
سایت yjc.ir

نوشته و گردآوری: لیلا پهلوانی

فاطمه سرافرازی

مجله سلامت

منبع

مهارت معلمی

تمییز دیداری



در این شماره به معرفی نوع دیگری از اختلالات دیگته نویسی به

نام تمییز دیداری می‌پردازیم:

چه غلط‌هایی املائی مربوط به این نوع اختلال است؟

غلط‌هایی مثل نوشتن **زور** به جای **روز** و یا **جانه** به جای **خانه** به

تمیز دیداری مربوط می‌شود، یعنی کودک در ادراک جزئیات

کلمه‌ای که به خاطر سپرده، دچار مشکل بوده و بنابراین در نوشتن

آنها مرتکب اشتباه شده.

برای درمان این مشکل باید تمرین‌هایی برای دانش آموز تدارک

دید که در حیطه‌ی ادراکات متعدد دیداری قرار دارند مثل:

الف: توانایی در تمیز دیداری

این توانایی به تشخیص تفاوت یک چیز از چیز دیگر مربوط می‌شود،

مثلا توانایی تشخیص "س" از "ش" و... می‌باشد. برای تقویت توانایی

در تمییز دیداری می‌توان مانند نمونه جدولی به او نشان داد و از او

خواست تا حرف سمت راست را در میان حروف سمت چپ بیابد.

منبع

اختلالات دیگته نویسی

مصطفی تبریزی

نوشته و گردآوری: لیلا پهلوانی

منتظر موعود

دوران تربیت نوجوان مهدی باور



در فرایند تربیت مهدوی، هفت سال دوم یا دوران نوجوانی را دوران تربیت نوجوان مهدی باور می‌نامیم؛ چرا که این دوران از منظر روان‌شناسی اسلامی دوران تعلیم احکام و معارف اسلامی، فضایل اخلاقی و تعمیق گرایش‌ها، نگرش‌ها و باورهای دینی است.

ویژگی‌های دوران تربیت نوجوان مهدی باور

الف) دوران علم و ادب آموزی: هفت سال دوم، مهم‌ترین دوران آموزش و پرورش فرزند است و از همین روست که تعلیم و آموزش فرزند به طور رسمی از این دوره آغاز می‌شود. در این دوران ذهن نوجوان رشد یافته و خواسته‌ها و نیازهای او معقول‌تر شده است. او دیگر آماده است که مشتاقانه از طریق اطرافیان کسب تجربه کند و معلومات و اطلاعات خود را بالا ببرد. او در این دوران می‌تواند بیاموزد و تعلیم داده شود. از این رو دیگر نباید فرزند را کاملاً آزاد گذاشت، بلکه اوقات او باید به طور کامل تحت مراقبت و برنامه‌های منظم قرار گیرد تا از این موقعیت و دوران طلایی به بهترین وجه استفاده گردد و زمینه‌ی شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی وی فراهم آید.

به این علت، فرزند در این دوران باید احکام و معارف اسلامی را فرا گیرد و مودب به آداب اسلامی و متخلق به اخلاق الهی گردد و این همه می‌بایست در پرتو ارتباط قلبی و عاطفی او با ساحت ولی و پدر حقیقی‌اش که تجسم عینی آداب و اخلاق الهی است، صورت پذیرد. کودک اگر دوران سیادت و فرمانروایی (هفت سال نخست) را به طور طبیعی و آزاد در فضایی مناسب و اطمینان‌بخش سپری کرده باشد، در این دوران با برخورداری از نوعی تعادل روانی و با روحیه‌ای شاد و پرنشاط از والدین و معلمان و مربیان خویش، اطاعت و حرف شنوی خواهد داشت و رهنمودهای تربیتی ایشان را به جان خواهد پذیرفت.

ب) دوران نهادینه سازی فضایل اخلاقی: هفت سال دوم، دورانی سرنوشت ساز است که مهم‌ترین مرحله‌ی آموزشی و تربیت فرزند را در بر می‌گیرد. بنابراین مهم‌ترین دوره‌ی تربیت فرزند در نهادینه سازی فضایل اخلاقی و پاکسازی وجودی او از رذایل اخلاقی دوران نوجوانی (۱۴-۷ سال) می‌باشد. معارف، احکام، اخلاق و آدابی که در این دوران از سوی معلمان و مربیان در مدرسه و پدر و مادر، آموزش داده می‌شود، به تدریج در نهاد شخصیت نوجوان پا برجا و نهادینه می‌گردد و شالوده‌ی شخصیت او را بنیان می‌نهد. اینه همین جهت برای تربیت موفق مهدوی در این دوران، هماهنگی و ارتباط والدین معلمان و مربیان یکی از ضروریات تربیتی است. بنابراین، این دوران طلایی را که بهترین فرصت برای تعلیم و تربیت فرزند است، نباید به سادگی از دست داد.

در این دوران باید با جدیت تمام به تعلیم و تربیت فرزند همت گماشت و از آرامش و ثبات روانی موجود در ابتدای این دوران بیشترین بهره را برد. نباید فراموش کرد که آرامش موجود در این دوران، آرامش قبل از طوفان است و فرزند در اواخر این دوره در آستانه‌ی تحولات ناگهانی بلوغ قرار می‌گیرد و دستخوش ناآرامی و بحران می‌گردد. اگر تربیت فکری، عاطفی و اخلاقی فرزند در این مرحله به درستی انجام نگیرد، او در دوران نوجوانی و جوانی با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد که شاید حل آنها چندان هم آسان نباشد.

ج) دوران مدرسه و تربیت مهدوی

یادگیری و ادب آموزی، با عنایت به جامعیت و ظرافت‌های تربیت مهدوی، معمولاً در محیط خانه به تنهایی مقدور نمی‌باشد. حتی اگر امکانات لازم برای یادگیری و ادب آموزی کودک در خانه فراهم باشد، مثلاً مادری بتواند کودک خود را آموزش دهد و ادب بیاموزد، باز کودک در حضور در مدرسه بی‌نیاز نمی‌شود؛ چرا که زندگی جمعی با همسالان و تن دادن به نظم و انضباط اجتماعی و بهره‌گیری از آثار و پیامدهای مثبت آن، ضرورتی است که خانواده هرگز قادر به تأمین آن برای فرزند نیست.

کودک با ورود به محیط جدید مدرسه، برای دستیابی به سازگاری با همسالان ناگزیر است مدارا، صبر، سازش، گذشت و نظم و انضباط بیشتری از خود نشان دهد تا به جایگاه مناسبی نزد دوستان و همسالان خویش دست یابد. کودک در این سعی و تکاپوی جدید با مانع‌ها، مقاومت‌ها و محدودیت‌های جدیدی روبرو می‌شود که برای عبور موفق از آن‌ها می‌بایست از تمام توان و استعداد خویش بهره‌گیرد و چنین فرایندی در انضباط گروهی و تربیت اجتماعی او نقش بسیار موثر خواهد داشت.

بدین سان دو محیط خانه و مدرسه، در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تعلیم و تربیت مهدوی، مکمل یکدیگرند. پیش زمینه‌های تربیت مهدوی در خانه فردی و عاطفی و در مدرسه، در فضایی جمعی‌تر و منطقی‌تر صورت می‌پذیرد.

پی نوشت: مطلب بعری از این سلسله مطالب با عنوان

"را هکارهای عملی تربیت نوجوان مهدی باور"

در شماره بعد منتشر خواهد شد.

منبع

کتاب خانواده و تربیت
مهدوی از مرتضی آقا تهرانی
و محمدباقر حیدری کاشانی

فاطمه محمدزاده

ورزشی

سپک تاکرا چیست؟



سپک تاکرا (Sepak Takraw) ورزش نوپایی در کشور ماست. ورزشی که در حال حاضر دوران ابتدای شکل گیری خود را سپری می کند و می رود تا کم کم جای خود را در میان سایر ورزش های توپ و تور باز کند. شاید بسیاری از شما چیزی از آن ندانید. به همین جهت بر آن شدیم تا از این ورزش کاملاً آسیایی و شرقی بنویسیم.

کسب امتیاز:

هر تیمی که بتواند ۲ ست از ۳ ست بازی را از آن خود کند برنده مسابقه خواهد بود. هر ست ۱۵ امتیاز دارد که در ست سوم تنها کسب ۶ امتیاز برای پیروز شدن تیم مقابل کافی است.

توپ پلاستیکی

سپک تاکرا:



انواع سپک تاکرا:

در حال حاضر در کل دنیا ۳ نوع سپک تاکرا انجام می شود:

هوپ تاکرا: شبیه بسکتبال؛ با حلقه ای که از سقف آویزان است و ۵ بازیکن که زیر حلقه هستند، باید طی مدت ۳۰ دقیقه با ضربات پا توپ را وارد حلقه کنند.

دبل تاکرا: با دو نفر بازیکن که روبروی هم قرار می گیرند.

سپک تاکرای ساحلی: روی شن و ماسه ساحلی مانند والیبال ساحلی که با ۴ بازیکن انجام می شود.

و در آخر نوع سالی بازی سپک تاکرا که در حال حاضر در ایران فقط این نوع از این بازی را داریم.



فهمیه سزیکار

مهارت معلمی

بازی و یادگیری



دانشمندان سال ها تصور می کردند که کار مخچه فقط تنظیم حرکات بدن است ولی بعدها مشخص شد که مخچه در یادگیری هم نقش مهمی دارد.

دانشمندانی به نام هنریتا لاینر و آلن لاینر بر مخچه تمرکز داشتند و به اکتشافات مهمی دست یافتند. آن ها متوجه شدند که؛ مخچه تنها یک دهم حجم مغز را اشغال کرده است، اما بیش از نصف تعداد نورون های مغز را در خود جای داده است. مخچه حدود ۴۰ میلیون رشته ی عصبی دارد، یعنی چهل برابر بیشتر از دستگاه عصبی بسیار پیچیده ی بینایی!

این رشته ها نه تنها اطلاعات قشر مخ را به داخل مخچه می آورند، بلکه آن ها را به قشر مخ باز می گردانند.

اما حرکت و بازی چه اهمیتی در یادگیری دارد؟

محرک های داخل تارهای عصبی، از مخچه به بقیه ی قسمت های مغز، از جمله سیستم بینایی و قشر حسی پس و پیش می شوند. این کنش ها به حفظ تعادل، تبدیل تفکر به عمل و هماهنگی حرکات کمک می کند. به همین علت است که بازی هایی چون تاب خوردن، غلت خوردن که حرکت گوش داخلی را تحریک می کنند، بسیار ارزشمند است.

بسیاری از محققان این نکته را تأکید کرده اند که هماهنگی حسی - حرکتی در آمادگی برای مدرسه، بسیار ضروری است. در تحقیقی که در سیاتل واشنگتن انجام گرفت، دانش آموزان کلاس سوم مفاهیم هنرهای زبانی را از طریق حرکات موزون آموختند. اگرچه نمره ی خواندن دانش آموزان در آن ناحیه ۲ درصد کاهش داشت،

منبع

سایت روش تدریس
نویسنده:

محمد حافظی نژاد

الهام مبینی

اما نمره ی افرادی که در حرکات موزون شرکت کرده بودند، طی شش ماه ۱۳ درصد افزایش یافت. این حرکات عبارت بودند از: چرخیدن، سینه خیز رفتن، غلت زدن، تکان خوردن، ورجه ورجه کردن، اشاره کردن و حرکات یکسان. لیل پالمر از دانشگاه وینونا، افزایش توجه و تقویت خواندن را در نتیجه ی این فعالیت های تحریک کننده تأیید کرده است.

چرا شاگردان دوست دارند صندلی را

روی دو پایهی عقب نگه دارند؟

دیوید کلار نشان داد که بعضی فعالیت های خاص چرخشی، منجر به هوشیاری، توجه و آرامش در کلاس می شود. دانش آموزانی که صندلی خود را روی دو پایهی عقب آن حرکت می دهند، اغلب مغز خود را با حرکتی تحریک می کنند که فعال کننده ی دهلیز نیز هست. این عمل گرچه فعالیت امنی نیست، اما برای مغز خوب است. ما باید دانش آموزان و دانشجویان را به فعالیت هایی وادار کنیم که ایمنی بیشتری دارند. هر زمان مشاهده کردید که شاگردانتان حرکات تعادلی انجام می دهند، یعنی خسته شده اند و با این کار سعی دارند مغز خود را هوشیار نگه دارند. پس وقت آن است که کاری کنید تا بدن آن ها حرکت کند.

در شماره بعدی چند بازی مناسب برای کلاس درس
را معرفی خواهیم کرد



زندگی نزیسته چیست؟

این شامل تمام آن جوانب اساسی وجود شما می شود که به قدر کافی در زندگی تان جذب و ادغام نشده است. ما می توانیم صدای دوردست ضربان طبل زندگی زیست نشده را در نچوهای که در پشت سرمان جریان دارد؛ بشنویم و ببینیم که این افعال مرتب تکرار می شود؛ **می شد؛ می توانست بشود؛ باید می شد.** یا وقتی دوباره به انتخاب های زندگی مان فکر می کنیم صدایش را بشنویم. یا موقع تمناهای آخر شب به نظر می رسد که ناگهان اندوهی غیرمنتظره از جایی سربرمی آورد، و این احساس که ما به نحوی ناکام مانده ایم یا نتوانسته ایم کاری را که آن قدر از لزوم انجام دادنش مطمئن بودیم انجام دهیم. کجا اشتباه کردیم، این زندگی ای که اکنون داریم چیست و چرا آن قدر با آنچه دلمان می خواست تفاوت دارد؟ همه ما حجم وسیعی از استعدادها و قابلیت های ترک شده، تحقق و توسعه نیافته را داریم. حتی اگر شما به اهداف بزرگتان دست یافته باشید و کمتر چیزی باشد که درباره اش تأسف بخورید، هنوز تجارب مهمی در زندگی هست که درب آن به روی شما بسته بوده است. اگر تک فرزند باشید پس هرگز با تجربه برادر یا خواهر داشتن آشنایی ندارید. اگر زن باشید، پس مرد نیستید و تجربه مردانگی برایتان بیگانه است. اگر متأهل باشید، مجرد نیستید. اگر سیاه پوست باشید، سفیدپوست نیستید. اگر مسیحی باشید، مسلمان نیستید. و الی آخر.

هر چیزی را که انتخاب کنید (یا برایتان انتخاب شود)، هنوز چیز دیگری وجود دارد که انتخاب نشده است.

هما سادات لاجوردی

منبع
کتاب زندگی نزیسته ات را
زندگی کن،
نوشته رابرت جانسون

من نگویم که به درد دل من گوش کنید

در ماهی که گذشت، متاسفانه یکی از هنرمندان فوب کشورمان را از دست دادیم ...

(میم معینی کرمانشاهی در بهمن ماه سال ۱۳۰۱ در کرمانشاه به دنیا آمد و در ۲۶ آبان امسال به علت کهنه سنی

در اثر سکت قلبی درگذشت.

معینی کرمانشاهی که ما او را به عنوان شاعر و ترانه سرا می شناسیم؛ علاوه بر شعر و ترانه در نقاشی، روزنامه نگاری و نویسندگی نیز دستی داشته است.

وی زندگی هنری خود را با هنر نقاشی آغاز کرد و تابلوهایی نیز به یادگار دارد از جمله تابلو مسیح با کار سیاه قلم .

معینی کرمانشاهی دوره ای از زندگی خود را در زمان مصدق به کار روزنامه نگاری مشغول بود و در این مدت مدیریت روزنامه سلمشوران غرب را در دست داشت. او پس از سقوط دولت مصدق برای مدتی زندانی و همچنین از شغل خود در بانک سپه اخراج شد.

(میم معینی کرمانشاهی همچنین دستی در فیلمانه نویسی داشت و با ممد زرین دست و کریم فکور در نگارش فیلمنامه و سوسه شیطان با اقتباسی از برادران کارامازوف نوشته داستایوفسکی همکاری داشت.

او مدتی در شعر تفلس امید را برگزید و ضمن سرودن شعر، چندی به ترانه سرایی پرداخت. وی در کنار استاد علی تجویدی و ترانه ی ماندگار بر جای گذاشته و با اساتیدی چون پرویز یامقی، بهاد لشگری، حبیب الله بدیعی و همایون فرخ همکاری داشته است.

از آثار او می توان به مجموعه شعر های ای شمع ها بسوزید، فطرت، خورشید شب، حافظ برفیز، خواب نوشین، مکاتبت گفته

و ده جلد تاریخ منظوم ایران پس از ممله اعراب تا عصر مافز، تمت عنوان شاهکار اشاره کرد.

نوشته و گردآوری: یاسمن صباچی

معروف ترین شعر این شاعر گرانقدر را با هم مرور فاطره می کنیم :

عجب صبری خدا دارد

اگر من جای او بودم

همان یک لحظه اول

که اول ظلم را می دیدم از مخلوق بی وجدان

جهان را با همه زیبایی و زشتی

به روی یکدیگر، ویرانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد !

اگر من جای او بودم

که در هسایه ی صدها گرسنه چند بزمی گرم عیش و نوش می دیدم

نخستین نعره مستانه را خاموش آن دم

بر لب پیمانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم

که می دیدم یکی عریان و لرزان، دیگری پوشیده از صد جامه ی رنگین

زمین و آسمان را

واژگون، مستانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد !

اگر من جای او بودم

نه طاعت می پذیرفتم

نه گوش از بهر استغفار این بیدادگرها تیز کرده

پاره پاره در کف زاهد نمایان

سبزه ی صد دانه می کردم .

عجب صبری خدا دارد !

اگر من جای او بودم

برای خاطر تنها یکی مجنون صحرا گرد بی سامان

هزاران لیلی ناز آفرین را کو به کو

آواره و دیوانه می کردم .



قران کتابی است آسانی که با نام خدا آغاز می شود و با نام مردم پایان می یابد. کتابی که نخستین افتخار خدایش به تعلیم است! تعلیم انسان با قلم! آن هم در جامعه ای بدوی که کتاب و قلم و تعلیم و تربیت در آن مطرح نیست این کتاب را از آن روزی که [به حيله دشمن] و به [جهل دوست]، لایش را بستند، لایه اش مصرف پیدا کرد و وقتی متنش متروک شد، جلدش رواج یافت و از آن هنگام که این کتاب را -که خواندنی نام دارد - دیگر نخواندند برای تقدیس و تبرک و اسباب کشی به کار رفت، از وقتی که دیگر درمان دردهای فکری و روحی و اجتماعی را از او نخواستند، وسیله شفای امراض جسمی چون درد کمر و باد شانه و ... شد و چون در بیداری رهایش کردند، بالای سر گذاشتند و بالاخره این که می بینی اکنون در خدمت اموات قرارش داده اند و نثار ارواح گذشتگانش می کنند و ندایش از قبرستان ها به گوش می رسد. کاری کردند که قرآن شد یک شیء مقدس متبرک که مصرف واقعیش، در (هدایت) پیروانش و (نشان دادن راه حل و مسئولیت انتخاب انسانی)، فقط (استخاره) است. وظیفه پیروانش هم در برابر آن، تعظیم و تکریم و تجلیل و بوسیدن و بی وضو بدان دست نزدن و توی قاب گذاشتن و کنار آینه نهادن و در بند قنடை و سفره عقد و خانه‌ی نو و روی سر مسافر گذاشتن!..

ای روشنفکر آگاه! اگر نمی توانی قرآن را بگشایی و متنش را بخوانی و بدانی که چه می گوید، اگر نمی توانی تاریخ را بشناسی و پییری که این کتاب، در ایجاد انقلاب انسانی چه اعجازگری های شگفت کرده است، لااقل می توانی به سخنان این اشخاص در همین عصر خود ما گوش دهی :

بیداری و نهضت آزادی خواهی و ضد استعماری شمال آفریقا، درست از روزی آغاز شد که محمد عبده پیرو مکتب سید جمال که شعارش بازگشت همه ی مسلمانان به قرآن بود به شمال آفریقا آمد و همه ی علمای اسلامی را گرد آورد و آنها را دعوت کرد که، به جای غرق شدن در فلسفه های کهنه و علوم قدیمی به سراغ قرآن بروید و از آن کمک گیرید و بکوشید تا مردم منحط و استعمار زده و مذهبی گرفتار تنگ نظری ها و تعصب و جهالت را با قرآن آشنا کنید. از آن هنگام، قرآن دوباره در جامعه ی مسلمین مطرح شد و تصادمات فرقه ای و تعصبات جاهلانه را کشت و باعث بیداری و ایجاد مسئولیت و خودآگاهی و قدرت و وحدت گشت.

در حالی که ژنرال آرگو و ژنرال سالان که همه ی الجزایر و تونس و مراکش را در زیر استعمار فرانسه ذلیل ساخته بودند و ثروت و عزت و فرهنگ آنها

را غارت می کردند و ژنرال سوستل با پسرش در جنگل های طلسمن ، به

شکار عرب می رفت تا بچه اش تیراندازی و شکار بیاموزد! و به زنش در پاریس می نوشت که :همه مان خوبیم، من خوبم، سگم خوب است، عرب هم خوب است...! مومنین در همین ایام سیاه همه مشغول بودند تا با ذکر و دعا و احیانا نذر به آزادی خود از آتش دوزخ برسند و رستگار شوند! اما قرآن که از طاقچه ی تقدس به مسند تعلیم و تفکر بازگشت، به آنان آموخت که راه رستگاری در آخرت در رستگاری در دنیا است و راه بهشت اسلام از آزادی و بیداری و عزت و دانش مسلمین می گذرد و هر که در این جا ذلیل بمیرد، آنجا نیز ذلیل بر می خیزد و هر که این جا کور است ، آنجا نیز کور خواهد بود.

و دانستند راه تقرب به خدا در تعقل است نه تعبد. هر که به ظلم تن دهد همدست ظالم است، زندگی مسلمانان بر عقیده و جهاد استوار است، آورنده ی قرآن یک راهب نیست، پیامبر مسلح است و هدف رسالتش آگاهی و عدالت. و دانستند که خدای اسلام ((آهن)) که مظهر قدرت است را در ردیف ترازوی عدل و ترازوی عدل را در کنار کتاب وحی نام می برد و نشانه ی جامعه ی اسلامی نرمش با خودی ها و خشونت با دشمن و سربلندی و عزت است.

این دانستن ها را، قرآن به مردم آموخت و بیدارشان کرد و فهمیدند که بزرگترین وظیفه ی مذهبی شان این است که پیش از هر کاری باید عوامل انحطاط فکر و جامعه را ریشه کن کرد و به جای بحث در جبر و اختیار یا کسب ثواب شهادت از طریق زیارت، سلاح برگیرند و استعمار فرانسه را برانند و چنین کردند و پیروز شدند

و گلاستون راشنیده اید -نخست وزیری و ناجی استعمار انگلیس که در مجلس انگلیس قرآن را برتریون کوفت و گفت: تا این کتاب در میان مسلمانان باشد، امنیت و اطاعت سرزمین های مسلمان نشین در برابر استعمار انگلیس محال است.

و راست می گویند، گرچه با لحن استعمارگران! اما اینان بهتر از هر کسی حس می کنند که چگونه قرآن-اگر خوانده شود- نه مثل یک ورد نامفهوم و برای ثواب آخرت و نثار ارواح ننه و بابا، بلکه مثل یک کتاب، بیداری و عزت می آفریند، و نیروی ایمان تبدیل به قدرت و عصیان علیه ظلم، ذلت و جهل می گردد.

بنابراین قرآن را عوامانه نباید شناخت، آن را همچون یک کتاب باید گشود و خواند و اندیشید و اثر آن را در تاریخ بررسی کرد، نقش آن را در برابر هجوم فکری و فرهنگی و سیاسی استعمار در آسیا و آفریقا تحقیق نمود و آنگاه شناخت و دید که کتاب اندیشه و آزادی و عدالت و قدرت است.

منبع: بر گرفته از کتاب پدر مادر ما متهمیم

نوشته ی دکتر علی شریعتی

الهام قیصری

باورهای غلط در مورد شخصیت

قبل از این که به باورهای غلط در مورد شخصیت بپردازم، بهتر است تعریفی از شخصیت را بیان کنم تا برای شما واژه ی شخصیت مبهم نباشد.

شاید به طور کلی بتوانیم شخصیت را همان ویژگی های رفتاری واضح هر شخص تعریف کنیم آن طور که هر شخصی از بیرون قادر به دیدن تظاهرات بیرونی این ویژگی ها باشد.

حال به بررسی دو باور اشتباه که میان مردم در مورد شخصیت افراد رایج است می پردازیم :

شاید اکثراً شنیده باشید که می گویند : فلانی بی شخصیت است و یا می گویند : فلانی باشخصیت است. با اینکه پشت این دو جمله باوری وجود دارد، ولی اشتباه بیان می شود. مثلاً در جمله ی اول که به برخی می گویند فلانی بی شخصیت است منظورشان از افراد بی شخصیت افراد بزهکار یا دزد و امثال این هاست، به طور کلی افرادی که مخالف فضایل اخلاقی رفتار می کنند و در مورد جمله ی دوم که می گویند فلانی با شخصیت است منظورشان افراد مودب، مهربان، ثروتمند، اجتماعی و یا امثال این هاست. گاهی وقت زیادی را صرف شناخت نقطه های کور شخصیت دیگران می کنیم در صورتی که این نقطه های کور فقط و فقط در موقعیت های خاصی بروز می کنند در نتیجه باز هم نمی توانیم شخصیت دیگران را تشخیص دهیم چون شخصیت تابع زمان، مکان و موقعیت است. یعنی افراد اطراف ما در زمان، مکان و موقعیت خاصی ویژگی رفتاری خاص و متفاوتی را بروز می دهند، این به این معنی است که شخصیت تغییر و تحول می پذیرد.

من باور دارم که ما نمی توانیم برای شخصیت کسی حکم کلی صادر کنیم زیرا هم افراد بی ادب و یا دزد و بزهکار و هم افراد با ادب و یا تحصیل کرده و اجتماعی، هر دو گروه دارای شخصیت اند .

به طور کلی می توان گفت انسان بی شخصیت اصلاً وجود ندارد.

نویسنده: صفیه عیسایی

ویلیام و کارلین گلستر معتقدند نیاز افراد به هریک از این ۵ مورد، متفاوت است و تنها کسانی می توانند یک زندگی مشترک موفق داشته باشند که نیازهای آنها در هریک از این ۵ دسته به هم نزدیک باشد.

مثلاً کسی که نیاز به بقای او از مقیاس ۵ تا ۱۰، باشد، یعنی شغف بسیار مفاتی است که به سلامت و تغذیه اش و همچنین به رابطه عاطفی با همسرش اهمیت زیادی می دهد و چنین فردی در ازدواج با کسی که این نیاز در او مثلاً در ۲ است و بنابراین در این زمینه بی قیدتر است، دچار مشکل می شود.

شما و همسران می توانید میزان نیازتان را در هریک از این ۵ دسته مشخص کنید و به ترتیب از چپ به راست بنویسید: ۱۲۳۴۵. نیمرخ هایی که از این طریق به دست می آید به راحتی قابل مقایسه و نتیجه گیری است؛ مثلاً ۵۵۳۵۴ با ۲۳۲۵۳ رابطه خوبی نخواهد داشت، اما با ۵۴۴۵۴ رابطه ای نسبتاً خوب را تجربه می کند. ویلیام و کارلین گلستر معتقدند اختلاف تنها ۱ تا حداکثر ۲ درجه آن هم در یکی یا در نهایت دو تا از این ۵ مورد می تواند رابطه خوبی را شکل دهد، اما اختلاف بیش از این می تواند مشکل آفرین شود و هرچه میزان این اختلاف بیشتر باشد، احتمال شکست ازدواج هم بیشتر خواهد شد. البته این نکته بسیار اهمیت دارد که سنجش ها باید بسیار دقیق و همچنین صادقانه انجام شود تا نتیجه قابل اعتمادی به دست آید.

منبع

"ازدواج بدون شکست"

نوشته: ویلیام گلستر و کارلین گلستر

ترجمه: دکتر علی صاحبی



با شتاب روزافزون تغییر و تحولات دنیای کنونی، جامعه‌ی بشری برای بقا و تداوم نقش سازنده‌ی خود، نیازمند پژوهش و اندیشه‌های نو و خلاقانه است. از آنجایی که نقطه‌ی امید هر جامعه، نسل جوانی است که در حال تعلیم، تربیت و شکوفایی می‌باشد، لذا می‌توان از مدرسه به عنوان یک نهاد فعال و تأثیرگذار در زمینه‌ی گسترش، پژوهش و توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... یاد کرد. برای رشد و شکوفایی استعدادها و پویایی مدارس، آموزش شیوه‌های خلاقیت و نوآوری باید از اهداف اساسی مدارس بوده و فرهنگ پژوهش و خلاقیت در مدرسه نهادینه گردد.

تعریف خلاقیت:

استیفن رابینز خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه‌ها و نظرات در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آنان بیان می‌کند از نظر رضاییان خلاقیت به معنای به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است.

ویژگی‌های افراد خلاق:

افراد خلاق، مباحث و موضوعات را از دیدگاه‌های مختلفی بررسی می‌کنند و بر خلاف عرف و عادت به دنبال روش‌های مختلفی برای حل یک مساله می‌گردند.

صاحب نظران و پژوهشگران، عوامل زیر را در بروز خلاقیت مؤثر می‌دانند:

داشتن اعتماد به نفس بیش از سایرین، تمایل به ریسک کردن (ریسک پذیری) و همچنین داشتن ظرفیت بالا در تحمل نامایمات (انعطاف پذیری)، عدم پافشاری در تحمیل عقاید خود و نداشتن تعصب نسبت به تغییر، مقاوم و مصر بودن در کار، گرایش به کارهای پیچیده و چالش‌های جدید، تلاش، پشتکار، داشتن تحرک و انرژی بالا.

موانع بروز خلاقیت:

موانع خلاقیت و نوآوری عبارتند از:

عدم اعتماد به نفس، عدم تمرکز ذهنی، عدم انعطاف پذیری، کمرویی و ترس از انتقاد و شکست، تمایل به همرنگی و تاکید بر عادت‌های پیشین، وابستگی و جمود فکری. باید توجه داشت که بروز خلاقیت و نوآوری و به کارگیری اندیشه‌های نو و خلاقانه، مستلزم غلبه بر موانع مذکور است.

راهکارها و پیشنهادات:

با شناسایی ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور و شناخت موانع ایجاد خلاقیت و نوآوری می‌توان راهکارها و پیشنهادات زیر را جهت نهادینه کردن فرهنگ پژوهش و خلاقیت در مدرسه ارائه نمود:

- (۱) طراحی نظام انگیزشی و تشویقی مناسب
- (۲) ترویج روحیه‌ی ریسک پذیری و نترسیدن از شکست
- (۳) آموزش و به کارگیری نیروی انسانی پژوهشگر و خلاق
- (۴) جایگزینی رویکرد پژوهش محور به جای آموزش محور
- (۵) استفاده از رویکرد پرسش محور به جای پاسخ محور در محتوای کتب درسی
- (۶) تعامل و انجام کارها به صورت گروهی و مشورتی
- (۷) تجهیز مدارس به امکانات آموزشی کارآمد

نتیجه گیری:

تعمیق و پژوهش و داشتن توان خلاقیت و نوآوری،

لازمه‌ی بقا و پویایی زندگی بشری و ضرورتی برای

پیش‌بینی روش‌های رفع نیازهای پیش رو در اثر

تغییرات و تمولات احتمالی دنیای پیشرفته‌ی امروزی

است. خلاقیت و نوآوری، استعداد بالقوه در وجود

همه‌ی انسان‌هاست که می‌توان با مدیریت و برنامه

ریزی، ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب و تلاش و

کوشش فردی و اجتماعی، آن را به فعلیت رساند.

نسرین نجاتی

منبع

نویسنده: عبدالرحمن جرجانی؛

پایگاه مجلات تخصصی نور

سه آذر جاودان و هزاران اخگر فروزان

در ۱۶ آذرماه ۱۳۳۲ جوانان دانشجوی

مسلمان ایران مردانه به پاخواستند تا بر

تاریخ اسارت انسان نقطه پایان گذارند.

اینان در جبهه‌ای به وسعت زمین و به

فرصت زمان دست در دست یکدیگر نهادند

و بازو در بازوی هم درآمیختند و با خداوندان زر و زور و تزویز درآویختند. در ۱۶ مهرماه ۳۲، پنجاه روز پس از کودتای آمریکایی ارتشبد زاهدی مردم هنوز درک کودتا برایشان سنگین بود. اولین تظاهرات یک پارچه مردم علیه رژیم کودتا در همین روز اتفاق افتاد.

۱۶ آبان سال ۳۲ کابینه زاهدی و دولت انگلستان برای تجدید روابط ایران و انگلستان که در جریان ملی سازی نفت قطع شده بود، مخفیانه شروع به مذاکرات کردند.

در تاریخ ۲۴ آبان اعلام شد که نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا از طرف آیزنهاور به ایران می آید. نیکسون به ایران می آمد تا نتایج پیروزی سیاسی کودتای ۲۸ مرداد را ببیند. دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که هنگام ورود نیکسون، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا نشان دهند. وقوع تظاهرات هنگام ورود نیکسون حتمی می نمود.

دو روز قبل از آن واقعه تلخ (۱۴ آذر) زاهدی تجدید رابطه با انگلستان را رسماً اعلام کرد و قرار شد که دنیس رایت، کاردار سفارت انگلستان، چند روز بعد به ایران بیاید. از همان روز ۱۴ آذر تظاهراتی در گوشه و کنار به وقوع پیوست که در نتیجه در بازار و دانشگاه عده‌ای دست گیر شدند. این وضع در روز ۱۵ آذر هم ادامه داشت.

رژیم شاه برای مسلط شدن بر اوضاع و حفظ سلامت (!) سفر نیکسون نیروهای نظامی خود را در دانشگاه مستقر کرد. صبح شانزده آذر، هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق العاده سربازان و اوضاع غیر عادی اطراف دانشگاه شده، وقوع حادثه‌ای را پیش بینی می کردند

از نوشته های شفيعی



شریعت رضوی



بزرگ نیا



فندچی

رئیس وقت دانشگاه تهران برای این که جلوی ناآرامی‌ها را بگیرد، کل دانشگاه تهران را تعطیل کرد. حضور نظامیان در صحن دانشکده فنی باعث شد که بین نظامیان و دانشجویان، زد و خورد شود. عده‌ای از سربازان، دانشکده فنی را به کلی محاصره کرده بودند تا کسی از میدان نگریزد. آن گاه دسته‌ای از سربازان با سر نیزه از در بزرگ دانشکده وارد شدند .

در این میان بغض یکی از دانشجویان ترکید و او که مرگ را به چشم می دید، دیگر نتوانست این همه فشار درونی را تحمل کند و آتش از سینه پرسوز و گدازش به شکل شعاری کوتاه بیرون ریخت

«دست نظامیان از دانشگاه کوتاه!»

هنوز صدای او خاموش نشده بود که رگبار گلوله باریدن گرفت ؛ چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافلگیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله قرار گرفتند. به خصوص که بین محوطه مرکزی دانشکده فنی و قسمت های جنوبی، سه پله وجود داشت و هنگام عقب نشینی عده زیادی از دانشجویان روی پله ها افتاده، نتوانستند خود را نجات دهند، مصطفی بزرگ نیا به ضرب سه گلوله از پا در آمد. مهندس آذرشریعت رضوی که ابتدا هدف قرار گرفته به سختی مجروح شده بود، بر زمین می خزید و ناله می کرد، و دوباره هدف گلوله قرار گرفت. احمدقندچی که از گلوله باران اول مصون مانده بود، سینه ستبرش با رگبار مسلسل یکی از دژخیمان شکافته شد

بعد از پایان درگیری ها احمد هنوز زنده بود؛ او را به یکی از بیمارستان های نظامی تهران منتقل کردند. در حالی که در درگیری ها لوله شوفاژ در مقابل احمد ترکیده بود و آب جوش تمام سر و صورت او را به شدت مجروح کرده بود، با این حال مسئولان بیمارستان از مداوا و حتی تزریق خون به او ابا کردند و ۲۴ ساعت بعد مظلومانه شهید شد.

این بود تصویری سرخ از جنبش سبز و بهارآفرین دانشجویان

پاک نهاد ایرانی در روز تاریخی ۱۶ آذر که از آن پس روز

دانشجو نامیده شد

تطبیقی

آموزش و پرورش
در بلغارستان

آموزش و پرورش بلغارستان غیر مذهبی و

در مدارس دولتی، رایگانه. زبان رسمی مدارس، مهدکودک‌ها و

واحدهای خدماتی زبان بلغاریه. کودکانی که زبان بلغاری زبان

مادریشان نیست، حق دارن همزمان با فراگیری زبان بلغاری زبان

مادریشان را در مدارس، زیر نظر دولت یاد بگیرن.

در ساختار نظام آموزشی بلغارستان آموزش

ابتدایی. از دو مقطع تشکیل شده:

(۱) آموزش مقدماتی از پایه‌ی یک تا چهار (۷ تا ۱۰ سالگی)

(۲) آموزش پیش متوسطه از پایه‌ی پنج تا هفت (۱۰ تا ۱۴ سالگی)

کودکان دبستانی با موفقیت در مقطع اول

آموزش دبستانی، به کسب مدرک پایان مقطع چهارم نایل می‌شن.

آموزش دبستان از طریق گواهینامه نهایی

آموزش دبستان در پایان مقطع هشتم به پایان می‌رسه.

برنامه‌های درسی در پایه‌های ابتدایی برای یادگیری شامل مطالعه

زبان بلغاری، ادبیات، ریاضیات، جغرافیای کشور، طبیعت، هنرهای

زیبا، موسیقی، کار انفرادی و اختیاری و تربیت بدنی

(۲۲ تا ۲۵ کلاس در هفته) میشه که حداقل لازم برای آموزش

عمومیه. هم چنین، چهار کلاس برای موضوع‌های اختیاری در نظر

گرفته شده که برای مطالعه زبان‌های خارجی یا فعالیت‌های آموزشی

همراه با ورزش و پرورش ذوق زیباشناسی و... تنظیم شده.

نوشته و گردآوری: عطیه حسینیان

تا حد امکان سعی می‌شه فعالیت‌های آموزشی به

واقعیت زندگی کودک نزدیک‌تر باشه تا کودک را در

زمینه‌هایی مثل پیشرفت در مطالعه، تقویت

تمایل و علاقه به شیوه فعال زندگی و درک و حل

مستقل مسایلی که با آن مواجه می‌شه. کمک کرد.

به همین خاطر، محتویات برنامه‌های درسی را به‌روز و

شیوه‌ها و ابزار آموزش را متنوع می‌کنن تا به دانش آموزان

این فرصت داده بشه که از خود اتکایی و اختیار بیشتری

برخوردار بشن و بتونن فعال‌تر در حل مسایل مشارکت کنن.

به معلمان توصیه می‌شه که از راهبردهای جدید

فعالیت‌های آموزشی و شناختی بهره بگیرن.

این راهبردها باعث به‌وجود

آمدن یک فضای همکاری متقابل

بین معلم و شاگردان و خود شاگردان

با یکدیگر و شکل‌گیری مهارت‌های

کار گروهی و تیمی می‌شه.

وزارت آموزش و علوم و هیات‌های بازرسی مدارس در

مناطق و شهرداری‌ها با بررسی وضع دانش آموزان - مردود

شده یا دانش آموزانی که در معرض خطر ترک تحصیل قرار

گرفتن، آن‌ها را در اولویت قرار می‌دن و در قبال ثبت نام از

چنین دانش آموزانی و بازگرداندن آن‌ها به عرصه آموزش و

پرورش احساس مسئولیت سنگینی می‌کنن.

هم‌چنین بلغارستان از معلمان بسیار خوب و

کارآمدی برخورداره و حقوق معلمان

در اولویت قرار داره.

هنری

نوشته و گردآوری: آسیه مولودی

۱۵ آذر. سالروز درگذشت سعدی سینمای ایران

همیشه به این فکر می‌کنم چطور به آدم می‌تونه با هنری که داره و به

نمایش می‌ذاره، نام خودش رو تا همیشه زنده نگه داره؟! کار آسونی نیست

تو حوزه‌ای که حرفی برای گفتن داری و مشغولش هستی، از اولین‌ها

باشی! بدون شک هر جا و هر وقت حرفی از سینمای ایران زده می‌شه، نام

بزرگ مرد سینمای ایران "علی حاتمی" اگر اولین نفر به زبون نیاد، حتا

عدش از انگشتای به دست بیشتر نمی‌شه!

در مورد آثار و زندگی هنری ایشون چیزای زیادی خوندیم و می‌دونیم!

چه کسی می‌تونه شاهکار مادر یا دلشدگان رو فراموش کنه؟

شاید کمتر کسی بدونه که علی حاتمی برای ساخت سریال هزاردستان

راهی فرانسه شد و موهایش رو از ته تراشید تا به قول خودش روش نشه به

خیابون بره و در خانه فقط به نوشتن فیلمنامه مشغول باشه. او فیلمنامه

هزاردستان رو بیش از ۱۰ بار بازنویسی کرد تا به نسخه دلخواه خودش رسیده

سافت این فیلم مدهود هشت سال طول کشید و

(هاورد اون علاوه بر اثر ماندگار هزاردستان،

شهرک سینمایی تهران قدیم بود که هنوز هم در فیلم‌های

(یادی از اون لوکیشن(مکان) استفاده می‌شه.

بدون شک فاخرترین نسخه از زندگی استاد کمال الملک در اثر ماندگار

علی حاتمی با نام "کمال الملک" دیده می‌شه. البته ناگفته نمونه که نقش

همسر کمال الملک رو، زهرا خوشکام، همسر واقعی علی حاتمی بازی

می‌کردن. زهرا و لیلا، همسر و دختر علی حاتمی نیز از بازیگران

توانمند ایران زمین هستن

. لیلا حاتمی علاوه بر بازیگری، فعالیت‌های بزرگ دیگه‌ای از

جمله داوری چندین جشنواره فاخر سینمایی جهان رو هم در

کارنامه خودش داره. علی حاتمی بعد از حدود ۵۲ سال عمر

پربارش، در ۱۵ آذرماه سال ۱۳۷۵، زمانی که در حال

ساخت فیلم "جهان پهلوان تختی" بود بر اثر بیماری سرطان

جان خودش رو از دست داد و سینمای ایران از این اثر فاخر

محروم موند. البته پروژه جهان پهلوان تختی بعد از مرگ حاتمی

به بهروز افخمی سپرده شد.

علی حاتمی به عنوان کارگردانی صامب سبک و مولف، سعی

می‌کرد با استفاده از قصه‌ها، مثل‌ها و باورهای

عامیانه‌ای ایرانی، فرهنگ کهن کوچه و بازار و معماری دیرپای

ایرانی - اسلامی طرزی نو در سینمای ایران دراندازه و به حق

تونست فرهنگ، آداب و ارزش‌های فکری و علمی

مردم این سرزمین رو بر پرده‌ی خیال نقاشی کنه. از

این رو حاتمی‌رو به علت بهره مندی از زبان تصویر و

خلق شخصیت‌های شاعرانه،

سعدی سینمای ایران می‌دونن.

چند دیالوگ ماندگار از آثار علی حاتمی:

احمدشاه قاجار: کاش این دنیا هم مثل یک جعبه موسیقی بود،

همه صداها آهنگ بود، همه حرف‌ها ترانه. (دلشدگان)

غلامرضا: بیچاره آقاچون، پیر شده از بس که مرده!

مادر مرد... از بس که جان نداشت! (مادر)

مظفرالدین شاه: همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید. (کمال

الملک)



موقع حرف زدن فقط چیزی را که لازم است بیان کنید. درست مثل این که می خواهید یک تلگراف بزنید. فقط اجازه دارید ده کلمه را استفاده کنید. به حرف زدن مردم دقت کنید. حتما تعجب می کنید. سو تفاهم همه جا دیده می شود. شما یک چیز می گوئید، بقیه چیز دیگری می فهمند. اگر مردم فقط پنج درصد مقدار فعلی حرف می زدند، دنیا محلی بسیار ساکت تر و صلح آمیزتر می شد. **باور کنید فقط پنج درصد از آنچه می گوئید برای بیان خواسته ها و منظور تان کفایت می کند.**

وقتی تلگرافی حرف می زنید به یاد داشته باشید در بیان و استفاده از کلمات محدودیت دارید. این مراقبه را انجام دهید و با کمال تعجب مشاهده می کنید که در طول روز چقدر به حرف زدن کمی احتیاج دارید.

منبع
کتاب آینده طلایی
نویسنده: اوشو

هما سادات لاجوردی

منبع

بخشی از کتاب مارک و پلو
نویسنده: منصور ضابطیان



چگونه Error 404 را دور بزنیم؟

بهترین ترفند برای مشاهده صفحات حذف شده و غیر قابل دسترس، استفاده از موتور جستجوی گوگل است. معمولا موتورهای جستجو، یک کپی از صفحات وب را بر روی سرور خود ذخیره می کنند که همین امر، علت بازیابی سریع اطلاعات جستجو شده است.

این صفحات به اصطلاح **Cache** شده، به سادگی از صفحه نتایج جستجو قابل دسترس هستند و کافی است عنوان مطلب یا سایت مورد نظر را در گوگل جستجو کنید.

پس از جستجو بر روی فلش کوچک موجود، در کنار آدرس سایت کلیک کرده و گزینه **Cached** را انتخاب کنید.

با انجام مرحله بالا، صفحه‌ی مورد نظر از سرورهای گوگل برای شما نمایش خواهد داده شد.

نرم افزار تحلیل آزمون

کاربرگه تحلیل آزمون براساس نرم افزار اکسل طراحی شده و به جهت تحلیل آزمون های مستمر و پایانی کاربرد دارد با استفاده از

این کاربرگه می توان نقاط ضعف و قوت کلاس و تک تک

دانش آموزان را در آزمون ها یافت، همچنین می توان به روند

پیشرفت کلاس و دانش آموزان در طول سال در آزمون ها پی برد.

استفاده راحت و سریع تر شدن تجزیه و تحلیل ها و صرفه جویی در

وقت از دیگر ویژگی های این کاربرگه می باشد. برای دریافت این

نرم افزار به وبلاگ ماهنامه مراجعه کنید.



تبدیل فایل های پاورپوینت

به ویدیو در آفیس ۲۰۱۰

در صورتی که از نسخه ۲۰۱۰ آفیس استفاده می کنید، می توانید با استفاده از این ترفند ارائه های پاورپوینت خود را به یک فایل ویدیویی تبدیل کنید. لازم به ذکر است فایل ویدیویی ساخته شده کاملا مشابه با آن چیزی است که در پاورپوینت طراحی کرده اید و قالب و نوشته های فارسی و رنگ های به کار گرفته شده تغییری نخواهد کرد. برای دریافت این ترفند به وبلاگ ماهنامه مراجعه کنید.

یار مهربان...

